

اعتقاد به مقدرات الهی؛ منبع آرامش و شجاعت

احمدعلی‌تباران در ادامه مروری آیتانی که امام حسین (ع) در مسیر قیام خود از مدینه تا کربلا و در مناسبت‌های مختلف به آن‌ها اشاره کردند. دو آیه را با هم تلاوت می‌کنیم. امام حسین (ع) وقتی به سوی مدینه رهسپار شدند، گروه‌هایی برای یاری آن حضرت حاضر شدند و امام این آیات را تلاوت فرمودند: «اینما تکونوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیته، هر جا که باشید، اگر چه در برج‌های استوار سربه‌فلک کشیده، مرگ شما را فرامی‌گیرد.» (نساء، ۷۸) و «لیزیدن کتب علیهم القتل الی مضاجعهم؛ کسانی که کشته شدن در سرنوشتشان، نوشته شده بود [با پای خویش] به قتلگاه خود رهسپار می‌شدند.» (آل عمران، ۱۵۴) آیه اول، در واقع تشویق به جهاد و نترسیدن از مرگ در جبهه درگیری را نشان می‌دهد و امام حسین (ع) با تلاوت این آیه، یادآوری کردند که با توجه به قطعی و حتمی بودن مرگ، فرار از جنگ معنا ندارد. پس نباید برای سلب مسئولیت از خود، لغزش‌ها را توجیه کرد و گناهان خود را به گردن سختی‌ها و مشکلات مسیر انداخت.

آیه دوم نیز به اموری اشاره می‌کند که برای انسان مقدر شده است و اگر خداوند برای انسان کشته شدن را در نظر گرفته باشد، انسان بدون اینکه بداند، یا پای خویش به قتلگاه خود می‌رود و امام حسین (ع) با تلاوت این آیه، در واقع به این نکته اشاره کردند که اعتقاد به مقدرات حتمی پروردگار، به انسان آرامش می‌دهد.

بنابراین زمانی که مرگ برای ما حتمی است، بهتر از کشته شدن در راه خداوند متعال را نمی‌توان تصور کرد و اعتقاد به این نکته، به انسان مؤمن، شجاعت قدم نهادن در مسیر الهی و ایستادگی در برابر مشکلات را می‌دهد.

روضه شب دوم

حق‌مداری حتی در برابر دشمن

علیرضا وکیلان محرم فقط روایت نبرد حق و باطل نیست، بلکه نمایشگاه بزرگ فضایل انسانی و اخلاق الهی است. هر شب از این ماه می‌تواند یک شاخص تربیتی برای زندگی امروز ما به همراه داشته باشد. شب دوم محرم و یادآوری مواجهه امام حسین (ع) با لشکر حر، فرصتی برای تأمل در یکی از مهم‌ترین آموزه‌های عاشورا یعنی «عدالت و حق‌مداری حتی در برابر دشمن» است. در مکتب حسینی، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و رسیدن به حق نیز باید از مسیر حق دنبال شود. رفتار سیدالشهدا (ع) با سپاهی که بعدها در برابر ایشان صف‌آرایی کرد، نمونه‌ای ماندگار از این حقیقت است.

عدالت: فراتر از دوستی و دشمنی

در مسیر کربلا، هنگامی که کاروان امام حسین (ع) با لشکر حرین یزید ریاحی روبرو شد، سپاه حر با تشنگی شدید مواجه بود. شرایط به گونه‌ای بود که امام می‌توانست از این ضعف برای تحت فشار قرار دادن دشمن استفاده کند. اما منطبق حسینی چیز دیگری بود. سیدالشهدا (ع) دستور داد همه افراد سپاه حر و حتی اسب‌های آنان سیراب شوند. در برخی نقل‌ها آمده است کسانی که از شدت تشنگی توان نوشیدن نداشتند، با کمک مستقیم امام (ع) و یاران ایشان، آب نوشیدند. این رفتار نشان می‌دهد که عدالت در فرهنگ عاشورا، وابسته به نوع رابطه افراد با ما نیست؛ دشمنی طرف مقابل هرگز مجوز ظلم، انتقام جویی یا خروج از مدار انسانیت نخواهد بود.

پیروزی به هر قیمت، نه!

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های جبهه حق و باطل در کربلا تفاوت در روش‌هاست. امام حسین (ع) می‌توانست از تشنگی دشمن بهره‌نمایی یزید یا آغاز درگیری، شرایط را به نفع خود تغییر دهد. اما چنین نکرد. در تاریخ نقل شده است که امام هرگز آغازگر جنگ نبود و حتی در سخت‌ترین شرایط نیز حاضر نشد از مکر، فریب و شیوه‌های نادرست استفاده کند. این رفتار، یک درس بزرگ برای جامعه امروز است. در نگاه حسینی، ارزش یک هدف به پای‌راه رسیدن به آن وابسته است. اگر قرار باشد برای رسیدن به حق از ابزار باطل استفاده شود، درحقیقت روح حق‌طلبی از بین خواهد رفت. سیدالشهدا (ع) به ما می‌آموزد که پیروزی واقعی، پیروزی ارزش‌ها و اصول الهی است، نه صرفاً غلبه بر رقیب.

راز زیبایی کربلا

هنگامی که حضرت زینب (س) پس از آن همه مصیبت فرمودند: «ما رأیت إلا جمیلاً»، یکی از جلوه‌های این زیبایی را باید در همین رفتارهای اخلاقی جبهه حق جست‌وجو کرد. در سراسر نهضت عاشورا هیچ نشانی از بی‌عدالتی، خیانت، فریب یا رفتار غیرانسانی دیده نمی‌شود. همه چیز بر محور صداقت، وفاداری، جوانمردی و اطاعت از خداوند استوار است. شاخص تربیتی شب دوم محرم نیز همین است: مؤمن واقعی کسی است که حتی در مواجهه با مخالفان و دشمنان خود، از مسیر عدالت و اخلاق خارج نشود. عاشورا به ما می‌آموزد حق‌مداری، زمانی ارزشمند است که در سخت‌ترین میدان‌ها نیز حفظ شود.

احکام محرم

عزاداری بی‌اسراف

علیه‌السلام در آستانه ماه شریف محرم هستیم و گاهی شنیده می‌شود که برخی شیعات و سؤالات در این فضا مطرح می‌شود، مانند اینکه به جای پرداخت میلیاردها تومان به مداخله برای گریاندن مردم، آن‌ها هزینه خندانند تیمی کنید. در پاسخ به این شبهه، باید توجه داشت که تقابل میان گریاندن برای امام حسین (ع) و «خندانند تیمی»، یک دوگانه‌سازی نادرست است. اسلام ناب، هرگز این دورا در عرض هم و به عنوان رقیب یکدیگر قرار نمی‌دهد، بلکه هر دو را از زیباترین جلوه‌های بندگی می‌داند. آنچه در کلام معترضانه فوق مغفول مانده، تفاوت بین «هزینه منطبق با شرع» و «اسراف ناپسند» است. قرآن کریم، در ستایش مؤمنان راستین، آن‌ها را کسانی می‌داند که «و یُؤْتِعْمُونَ الطَّعَامَ غلی خَیْةً یَسْکِنُونَ وَ تِیْمَاناً وَ أُسْرًا، هم زمان، خاندان و حی خود لگوی گریه بر مظلوم و اطعام به یتیم بوده‌اند.» (انسان، ۸)

امام صادق (ع) نه تنها شیعیان را به برپایی مجالس عزاء و گریستن بر مصائب سیدالشهدا (ع) فرمان می‌دادند، بلکه خود مانند اجداد پاهرشان، عهده‌دار پرورش تیمیان بودند و می‌فرمودند: «ما من غیو مسخ غیة نَفسِ یتیم... إلا کتب الله له یعدو کل شَعره خَشته.» این دو سیره، دو بال پرواز یک انسان متعهد هستند، نه دو راه متضاد.

اشکال شرعی، نه بر اصل هزینه‌کرد برای شاعر حسینی، بلکه بر افراط و اسراف‌هایی وارد است که از قالب معقول و مشروع «تعظیم شاعر» خارج می‌شود و رنگ تجمل‌گرایی و ریا به خود می‌گیرد. (صحیح، ۳۲) فقها و مراجع عظام، بارها تأکید کرده‌اند که اگر اطعام عزاداران به ریخت و پاش بینجامد یا اگر دستمزدهای نجومی برخی مداخلان، جای خلوص نیت را بگیرد، این رفتار از دایره «احکام عزاداری» خارج و به عملی مکروه یا حرام تبدیل می‌شود. بنابراین، صورت صحیح مسئله «یا این یا آن» نیست، بلکه «هم این و هم آن» در چارچوب اعتدال است. می‌توان مجلسی ساده و سرشار از معرفت حسینی برپا کرد و دل را به نسیم کربلا سپرد و در کنارش، با همان نیت خالص، اشک شوق بر چشمان یتیمی غفلت می‌شوید. گریه بر ابا عبدالله (ع)، اشک بصیرت و حماسه است که دل را از سنگینی غفلت می‌شوید و آماده خدمت به خلق خدا، از جمله یتام، می‌کند. این دو، دشمن یکدیگر نیستند، بلکه هر دو سرباز یک جبهه‌اند، مشروط بر آنکه از آفت اسراف و تجمل درمان بمانند.

پیوند جاویدان دل‌ها با سیدالشهدا (ع)

شب دوم محرم



سمانه رضوانی همه ما آنسی عجیب با محرم، ما جرای کربلا و امام حسین (ع) داریم. حسینیته‌ها، دسته‌های عزاداری و اشک‌هایی که هرسال جاری می‌شود، بخشی از هویت مذهبی ماست. در میان این پیوند ناگسستنی، «زیارت عاشورا» جایگاهی ویژه دارد. زیارت، حدیثی قدسی است، از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده. از امام باقر (ع) به ما رسیده است و خود ایشان به علقه‌بن محمد حضرمی تعلیم فرموده‌اند. امام صادق (ع) نیز درباره آن فرموده‌اند: «کسی که این زیارت را بخواند، خداوند زیارتش را می‌پذیرد و تلاشش را پاداش می‌دهد.»

گزارش

فرزند امیرالمؤمنین (ع) و سرور اوصیا

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بَنَیَّ امیرالمؤمنین و ابْنِ سَیِّدِ الوَصِیِّیْنَ

«امیرالمؤمنین» به معنای «فرمانروای مؤمنان» است. این لقب را پیامبر اسلام (ص) به حضرت علی (ع) داده بود. «سید الوصیین» یعنی «سرور جانشینان»، جانشین کسی است که پس از پیامبر (ص) مسئولیت هدایت امت را بر عهده دارد. امام حسین (ع) فرزند چنین پدر بزرگوار است. این نسبت فقط نسبی نیست، بلکه همان شجاعت امیرالمؤمنین (ع) در میدان صفین و جمل، در کربلا در چهره حسین (ع) دیده می‌شود. همان علم و دانش علی (ع) که فرمود: «از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید»، در رفتار و رفتار امام حسین (ع) در روز عاشورا نمایان است.

خون خواهی الهی

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بَنَیَّ فَاطِمَةَ سَیِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِیْنَ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَارَ اللَّهِ

«سیده نساء العالمین» یعنی «بانوی زنان جهانیان»، حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر (ص) و همسر امام علی (ع) و مادر امام حسن و امام حسین (ع) است. خداوند در آیه تطهیر (سوره احزاب، آیه ۳۳)، او و همسر و فرزندان را «اهل بیت» نامید. شاید نکته این فرزند این باشد که شخصیت بزرگ امام حسین (ع) در دامن حضرت زهرا (س) پرورش یافته است. در ماجرای حضرت عیسی (ع)، خدای متعال می‌فرماید: «چون مریم صدیقه پاکدامن بود، قابلیت داشت که عیسی در دامن او پرورش پیدا کند.» این طور نیست که هر دامنی، شایسته پرورش هر فرزندی باشد. اگر نسلی بخواهد پاک باشد، باید از ریشه‌ها پاک باشد. اما مهم‌ترین فراز این بخش، «یا نارا لله»، است. «ناره» یعنی «خون خواه». در فرهنگ عرب، به کسی که خونی ریخته شده و هنوز خون خواهی از او نشده است، «ناره» می‌گویند. «نارا لله» یعنی خونی که خداوند، خود خون خواه آن است. یعنی جنایت کربلا چنان بزرگ است که هیچ کسی جز خدا نمی‌تواند انتقام آن را بگیرد. این وعده الهی در زیارت عاشورا آمده است و با قیام حضرت مهدی (عج) تحقق پیدا می‌کند.

معنای سلام بر ابا عبدالله (ع)

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ

«سلام» در لغت به معنای صلح و آرامش است. سلام بر امام حسین (ع) چند معنا دارد. نخست، اظهار محبت و دوستی، دوم، درخواست سلامتی برای امام (ع) از خداوند، سوم، اعلام تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و اولیای او، به همین دلیل، زیارت با سلام آغاز می‌شود، چون مخاطب، امام معصوم است نه خداوند. اما چرا امام حسین (ع) را «ابا عبدالله» می‌نامند؟ این کنیه به معنای «پدر بندگان خداست». ایشان در روز عاشورا اوج بندگی را به تصویر کشیدند، از برگزاری نماز ظهر در میان تیرها و شمشیرها تا سجده شکر در آخرین لحظات زندگی به همین دلیل، حضرت لگوی کامل عبودیت و پدر بندگان راستین خدا، نامیده شده‌اند. امام حسین (ع) از روز ولادت با این کنیه نامیده می‌شد.

فرزند رسول خدا (ص) و برگزیده الهی

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بَنَیَّ رَسُوْلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا حَیْرَةَ اللَّهِ

«فرزند رسول خدا بودن» امام حسین (ع) فقط یک نسبت خانوادگی نیست. در قرآن کریم، در آیه می‌بانه (سوره آل عمران، آیه ۶۱)، خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که «بسرانمان» را بیاور. همه مفسران شیعه و سنی گفته‌اند منظور از این «سران»، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) هستند. همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «حسین از من است و من از حسینم؛ خدا دوست دارد کسی را که حسین، دوست بدارد.» واضح است که معنی این فراز، مبنای نسبت خانوادگی و خونی و نژادی نیست و در مکتب اسلام، جایگاه آورنده نیست. آوردن این نسبت یعنی وارث ارثیه حقیقی و باشکوه و با عظمت، آن‌ها که رهبری الهی و امامت توحیدی شان جز یقین ثابت، اخلاص، شرافت، صبر و صفا... جایگاه دیگری ندارد. «حَیْرَةَ اللَّهِ» یعنی «برگزیده خدا»، یعنی خداوند از میان همه انسان‌ها، امام حسین (ع) را برای مسئولیت بزرگ امامت و شهادت، انتخاب کرده است.

درود بر شهدا و تعزیت در مصیبت بزرگ!

السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ اَلَّتِی حَلَّتْ فِیْنا بَیْکَ... یَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتْ الرَّزِیَّةُ

در این فراز، ما فقط به امام حسین (ع) سلام نمی‌دهیم، بلکه به همه کسانی که در کربلا به شهادت رسیدند و در جوار حرم ایشان آرام گرفته‌اند، درود می‌فرستیم؛ حبیب بن مظاهر، حرین یزید ریاحی، قاسم بن الحسن (ع) و دیگر یاران باوفای امام (ع). «عَظُمَتْ الرَّزِیَّةُ» یعنی «مصیبت تو بزرگ و سنگین شد». این حادثه بسیار عظیم است و مانند ندارد. فاجعه کربلا چنان تکان دهنده است که نه تنها بر ما که بر همه اهل زمین و حتی بر اهل آسمان‌ها سنگین آمده است. به فرموده رسول خدا (ص): «به یقین شهادت حسین، حرارتی در دل مؤمنان ایجاد خواهد کرد که هرگز خاموش نمی‌شود.» امام صادق (ع) نیز در روایت مفصلی خطاب به زاره فرمودند: «ای زاره! آسمان چهل روز با خون بر حسین (ع) گریست و زمین چهل روز با سپاهی گریست و خورشید چهل روز، با کسوف و سرخی گریست و همانا گوه‌ها باره باره شدند و از هم فروپاشیدند و دریاها ملاحظم شدند و فرشتگان چهل روز بر حسین گریستند...»

عزکن در خیمه عزا

ماه محرم، ماه شکستن قفس تن و پرواز روح به سوی آسمان ولایت است؛ ماهی که در آن، کوچ‌های شهر بوی خاک کربلا می‌دهد و دل‌ها، با هر ضربه سینه، به تپش قلب سیدالشهدا (ع) درمی‌آیند. اما عزاداری، فقط یک آیین ظاهری یا یک رویداد اجتماعی نیست، بلکه سفری است درونی، تلاشی برای هم‌رنگی باخوی حسینی و بیدار کردن وجدان خواب‌الود انسان. در این ماه مقدس، رعایت آداب حضور نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی انکارناپذیر برای بهره‌مندی از برکات این ضیافت الهی است.

۱. تیز کردن تیغ اخلاص در سنگ نیت

اولین و بنیادی‌ترین رکن، خلوص نیت است. عزاداری، عبادتی است شریف که تنها با اخلاص، طمع حقیقی می‌گیرد، باید پرسید آیا برای رضای خدا و طلب قرب اولیای او عزاداری می‌کنیم یا برای رقبیت، نمایش و جلب توجه؟ زمانی که در درس حضرت آیت‌الله العظمی میرزا علی فلسفی شرکت می‌کردم، ایشان تأکید می‌کرد که موفقیت بزرگ در این مجالس، اصلاح نیت است. عزاداری نباید با رقابت‌های بی‌پهلو، هزینه‌های سنگین بی‌حاصل و تبلیغات زرق و برق رقیب سوز آمیخته شود.

۲. آیین مراقبه و محاسبه نفس

دومین بایسته، مراقبه و محاسبه نفس است. هدف نهایی عزای حسینی، گریه کردن صرف نیست، بلکه تغییر رفتار و سبک زندگی است. عزاداری واقعی، کسی است که پس از ترک مجلس، از گناهان خویش منجز شود و در زندگی روزمره، پیرو راه حق باشد. متأسفانه، گاهی شاهدیم کسانی که شب در محفل اهل بیت (ع) اشک می‌ریزند، صبح همان روز، با زار همسایگان از طریق صداهای بلند یا ایجاد سدمعبر، خود را از دایره اخلاق حسینی دور می‌کنند. این تناقض، بزرگ‌ترین خیانت به فرهنگ عاشورا است.

۳. ادب سکوت در هیاهوی عشق

سومین نکته، رعایت آداب اخلاقی و ادب حضور است. مجلس عزای اهل بیت (ع)، مجلس فرشتگان و حضور باطن آن بزرگواران است. حضور در چنین مکان مبارکی، مستلزم

سکوت زبانی، احترام متقابل و حفظ نظم است. استفاده از تلفن همراه، مکالمات بیجا، شوخی‌های نامناسب و هرگونه عملی که موجب اخلاص در حال معنوی دیگران شود، حرمت مجلس را خدشه‌دار می‌کند. همچنین، داشتن پوشش مناسب، پرهیز از برهنگی در مقابل نامحرم و احترام ویژه به سالمندان و بزرگان، از نشانه‌های بلوغ فرهنگی عزاداران حسینی است.

۴. تجلی حضور قلب

چهارمین محور، حضور قلب است. عزاداری بدون حضور دل، مانند بدنی بدون روح است. وضو گرفتن، نظافت شخصی و تمرکز بر کلام خدا و پیامبر (ص)، زمینه‌ساز اتصال روح عزادار به منبع فیض است. وقتی دل در محفل امام حسین (ع) حاضر شود، اشک‌ها یمان حقیقت پیدا می‌کند و تأثیر آن، ماندگار و عمیق خواهد بود.

۵. کیمیاگری معارف در محتوا

پنجمین بایسته، دقت در محتوا و معارف است. مجالس عزاداری، کلاس‌های درس و سخنرانی است. سخنرانان و مداحان باید عزیزان دل! ماه محرم، فرصتی است مغتنم برای بازنگری در سبک زندگی، بیابید با رعایت این آداب ساده ولی سرنوشت‌ساز، مجلس‌هایی بسازیم که نه تنها دل‌هایمان را شاد کند، بلکه جامعه‌ای متعالی، با فرهنگ و خامحور را رقم بزند.

درنگ

